

۲۰۰۹/۰۱/۱۸ م

لینا روزبه حیدری

زندگی جنگ زدگان در هر کشوری با یکدیگر شباهت غمگینی دارد. بعد از سه هفته تهاجم اسرائیل بر باریکه غزه تصور میکنم که پیام یک افغان که در افغانستان با مشکلات فقر، عدم امنیت، زمستان سرد، امراض و ناامیدی دست و پنجه نرم میکند به یک فلسطینی که او هم همانند وی دهه هاست که در زیر بار مشکلات امید به زندگی را از دست داده است و حال باید بدست خود فرزندان خود را بخاک بسپارد، پیامی اینگونه باشد:

### « از یک افغان به فلسطینی »

هر شادی در خرابه من سنگ میشود  
دیوار کلبه تو به خون رنگ میشود

این خانه خراب منست پر ز آه و درد  
و آن کلبه خرابه تو مدفن ست و سرد

من در میان برفم و سرما و حال ریش  
تو در میان راکت و آتش بخون خویش

فرزند من کنار من از گشنگی هلاک  
فرزند تو بدون کفن خفته ست بخاک

ما در نزاع قوم و قبیله تباہ و خوار  
تو در میان دین و زمینی به کام دار

حالم فسرده از بر این حاکمان دهر  
حالت گرفته از همه رندان بی هنر

من سالهاست که کفتر مرده شمرده ام  
خود را به دست مضحک دنیا سپرده ام

تو سالهاست که شاخه زیتون شکسته بی  
از بس که درد دیده بی از خویش خسته بی

آن نخل ها و سبزی زیتون و بزم رنگ  
خواهد برفت ز خاطر کنعان بزور جنگ

طوری که رفت از کف ما هست و بود ما  
ویرانه گشت و جنگ شده تار و بود ما

ما هر دو با صدای تفنگ خو گرفته ایم  
از خون و درد و ناله و آه بو گرفته ایم

ما هر دو در تلاطم دنیا فسرده ایم  
بیهوده رنج دیده و بیهوده مرده ایم

\*\*\*\*\*